

سرقت برای برپا کردن مهمانی



چند مرد افغان که پولی برای برپا کردن مهمانی نداشتند، تصمیم به سرقت گرفتند و دست به زورگیری خشن زدند. به گزارش همشهری، چند روز قبل، زنی که در تراس خانه‌اش سرگرم خواندن کتاب بود صحنه عجیبی مشاهده کرد؛ چند مرد خشن دختری جوان را در حد مرگ کتک می‌زدند تا کیف و گوشی‌اش را به سرقت ببرند. زن که شاهد این صحنه هولناک بود، با موبایلش اقدام به فیلمبرداری کرد و بعد به پلیس و اورژانس زنگ زد. وقتی مأموران پلیس رسیدند، دزدان گریخته بودند. دختر جوان که در حمله آنها به‌شدت آسیب دیده بود، به بیمارستان منتقل شد و مأموران پلیس از طریق فیلمی که شاهد سرقت تهیه کرده بود زورگیران را شناسایی و دستگیر کردند. آنها روز گذشته به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و یکی از آنها در گفت‌وگو با همشهری از جزئیات این سرقت خشن گفت.

چند مورد سرقت با این شگرذ انجام داده‌اید؟
همین یک مورد بود. در واقع نخستین و آخرین سرقت‌مان قرار بود باشد، اما زباده‌روی کردیم. ممکن بود دختر جوان بمیرد و اتهام قتل گردن ما بیفتد.

انگیزه‌تان از سرقت چه بود؟

من و دوستانم می‌خواستیم بزم شبانه بگیریم، اما اوضاع مالی‌مان خیلی خوب نبود و برای مهمانی شبانه هیچ وسیله پذیرایی نداشتیم. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که سرقت کنیم و با پول هایی که از این راه به دست می‌آوریم بزم‌مان را راه بیندازیم.

کجا می‌خواستید مهمانی بگیرید؟

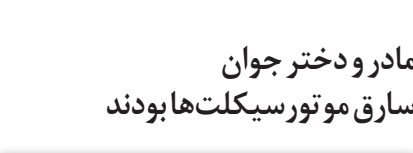
در ساختمانی نیمه‌کاره، محل کار من اتاقک نگهداری در ساختمانی نیمه‌کاره است. من به‌عنوان نگهبان در آنجا مشغول به کار هستم. ۲هم‌دست دیگرم نیز از همشهریانم هستند. ما سال‌ها قبل برای کار از افغانستان به ایران آمدیم.

اقامت قانونی برای زندگی در ایران را دارید؟

نه. قاچاقی اینجا هستیم.
برگردیم به شب حادثه. دختر جوان را چطور شناسایی کردید؟

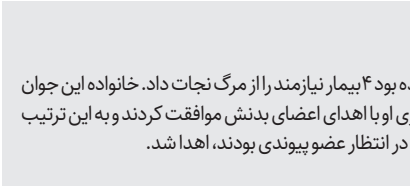
در خیابان می‌چرخیدیم و به‌دنبال طلعه بودیم که چشمان افتاده به این دختر جوان. ظاهر از محل کارش خارج شده و منتظر اسنپ بود. ما به سمتش هجوم بردیم تا اموالش را به سرقت ببریم. دختر جوان فریاد می‌کشید و ما خیلی ترسیده بودیم. فقط می‌خواستیم هر طوری شده اموالش را بدزدیم. برای همین کتکش زدیم و وقتی بیوش شد، از ترسمان فرار کردیم. گمان می‌کردیم کسی متوجه این سرقت نشده است، غافل از اینکه زنی به‌صورت پنهانی از صحنه سرقت فیلم گرفته و ما را لو داده بود. حالا هم به‌شدت پشیمانیم.

مادر و دختر جوان سارق موتور سیکلت‌ها بودند



تحقیقات درباره سرقت‌های سریالی موتورسیکلت در گرگان نشان داد در پشت پرده این سرقت‌ها مادر و دختری جوان قرار دارند.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از چندی قبل و به‌دنبال سرقت چند دستگاه موتورسیکلت به پلیس گرگان گزارش شد. سرقت‌ها در مکان‌هایی اتفاق افتاده بود که هیچ دوربین مداربسته‌ای فعال نبود و هیچ‌کس نمی‌دانست عامل این سرقت‌ها چه کسانی هستند. با وجود سرهنگ علی بخشنی از پلی‌کده گرگان، فرمانده انتظامی گرگان در این باره گفت: مأموران کلانتری ۱۳ با انجام اقدامات اطلاعاتی متهمان را که مادر و دختر هستند، شناسایی و آنها را دستگیر و یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی از آنها کشف کردند. به گفته سرهنگ تجری در تحقیقات انجام شده مشخص شد این مادر و دختر دارای سوابق متعدد سرقت هستند و در بازجویی‌ها به ۵ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کردند. براساس این گزارش متهمان در بازداشت به‌سری می‌برند و تحقیقات برای کشف جرائم احتمالی‌شان ادامه دارد.



جوان نیشابوری جان ۴ بیمار را نجات داد

اعضای بدن جوان نیشابوری که دچار مرگ مغزی شده بود ۴ بیمار نیازمند را از مرگ نجات داد. خانواده این جوان ۹ساله که الیاس اسدی نام داشت، بعد از مرگ مغزی او با اهدای اعضای بدنش موافقت کردند و به این ترتیب کلیه‌ها، کبد و قرنیه چشمانش به ۴ بیمار نیازمند که در انتظار عضو پیوندی بودند، اهدا شد.



جزئیات آزادشدن ۴۵ زندانی جرائم غیر عمد با گذشت خانواده مقتول از قصاص

آزادی ۴۵ زندانی با پول ديه



مراسم تقدیر از خانواده مقتول

می‌زدیم که مردی را با یک کیف بزرگ دیدیم که از بانک خارج شد. معلوم بود داخل کیف، پول است. وقتی او قصد سسوار شدن به ماشینش را داشت با تهدید اسلحه او را ربودیم و با ماشینش

تصمیم بزرگ

رضا رضوانی، برادر مقتول در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: در همه این سال‌هایی که برادرم را از دست داده‌ام، هرگز از ته دل نخندیدیم. مادرم از بس گریه کرد، یکی از چشمانش را از دست داد. یکی از برادرانم همان سال از شدت ناراحتی سکنه کرد، همسر برادرم دچار مشکلات روحی و پدرم بیمار شد و دنیا رفت. او ادامه می‌دهد: با همه این سختی‌هایی که پشت سر گذاشتیم، اما قصد گرفتن جان کسی را نداشتیم. در همه این سال‌ها قاتل برادرم در زندان بود و ما نمی‌توانستیم حکم را اجرا کنیم؛ چون خودمان باغ بزرگی دیده بودیم. نمی‌خواستیم خانواده دیگری اذغدار شود؛ برای همین اعلام کردیم که برای گذشت از قصاص، قاتل باید ۱۰۰ اسکه بهار آزادی پرداخت کند. همان موقع گفتیم که قصد داریم آن را برای کار خیر هزینه کنیم. از آن زمان واحد صلح و سازش تلاش زیادی برای فراهم کردن این مبلغ کرد. آنها با کمک خیران و ۲۸ نفر از خوانندگان مطرح این مبلغ را فراهم کردند و مدتی قبل با ما تماس گرفتند و گفتند که ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان جمع‌آوری شده است. رضوانی در ادامه می‌گوید: برای اینکه بتوانیم مبلغ ديه را در بهترین راه هزینه کنیم به دادگستری البرز مراجعه کردیم. خواسته ما این بود که زندانیان جرائم غیرعمد و مالی را که بدهی‌شان زیر ۱۰۰ میلیون تومان است درنظر بگیرند. از بین ۷۰۰ زندانی ۲۵ نفر که به خواست ما نزدیک‌تر بودند انتخاب شدند؛ البته یک استثنا نیز وجود داشت: فردی ۸۰ میلیون تومان بدهکار بود، اما چون ۱۷ سال در زندان بود، او نیز در لیست قرار گرفت. رضوانی اضافه می‌کند: این بین از زندانیان ۱۲۹ نفر بدهی‌شان زیر ۳۰ میلیون تومان بود، ۳۰ نفر هم از لحاظ سنی زیر ۵۰ سال بودند و ۴۹ نفر از آنها زیر ۲۰ سال داشتند. بعد از انجام مراحل قانونی و اداری در نهایت مراسمی در حسینیه دادگستری البرز برگزار شد و در آنجا با ۴۵ زندانی که حکم آزادی گرفته بودند، دیدار کردیم و به این ترتیب ديه برادرم صرف‌آزاد شدن آنها و بازگشت‌شان به آغوش خانواده‌هایشان شد.

چادر نشینی قاتلان

مهرداد اصلی‌ترین مظنون پرونده بود که دستور بازداشت او صادر شد و در جریان تحقیقات گسترده پلیس، رد او در بیابان‌های اطراف بهشت‌زها به‌دست آمد. مهرداد و همسرش در محلی خلوت، چسادر زده و در آنجا زندگی می‌کردند که در جریان عملیات ضربتی پلیس دستگیر شدند و به قتل عباس اعتراف کردند. آنها گفتند: روز حادثه در خیابانی در کرج پرسه

جنایت مرموز

با پیدا شدن جسد عباس، تحقیقات پلیس برای کشف راز این جنایت آغاز شد. تنها سرخ، تلفن همراه و خودروی مقتول بود که در دیده‌شده بود. یک‌ماه بعد از جنایت، خودروی ۶۰۶ آتقره‌ای عباس در رباط کریم پیدا شد اما هیچ نشانه و ردی از عامل جنایت در آن به دست نیامد.

نجات پسر ۱۱ساله از چاه عمیق

پسر نوجوانی که به چاهی عمیق سقوط کرده بود با حضور بموقع آتش‌نشانان از مرگ نجات پیدا کرد. این پسر ۱۱ساله به چاهی عمیق در رفسنجان سقوط کرده بود که آتش‌نشانان ایستگاه ۳ راهی محل حادثه شده‌و در جریان عملیاتی تفسکیر موفق شدند او را از عمق چاه زنده بیرون بکشند.



ان سوی مرز

شکارچی زامبی، مجرم شناخته شد



مرد آمریکایی که ۲ دختر جوان را در دهه ۹۰ میلادی، ربوده و آنها را به قتل رسانده بود، بعد از ۳۱ سال مجرم شناخته شد. به گزارش همشهری به نقل از ای‌بی‌سی، در یکی از شب‌های نوامبر سال ۱۹۹۲، آنجلا بروسو ۲۲ساله هنگام دوچرخه‌سواری در امتداد کانال آریزونا در منطقه فینیکس نزدیکی مسیر دوچرخه‌سواری کشف کرد و بررسی‌ها نشان می‌داد که او به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده است. به دنبال این جنایت هولناک، تحقیقات گسترده پلیس برای شناسایی قاتل آغاز شد. مأموران با ده‌ها نفر که در زمان قتل در آن منطقه زندگی می‌کردند یا در آنجا بودند، مصاحبه کردند، اما هیچ ردی از قاتل به‌دست نیامد.

تحقیقات ادامه یافت تا اینکه ۱۰ ماه بعد، ملانی برناس ۱۷ساله که ششانه در حال دوچرخه‌سواری در امتداد کانال آریزونا بود ناپدید شد. جسد او نیز صبح روز بعد در حالی پیدا شد که بررسی‌ها نشان می‌داد با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است.

در ادامه و با توجه به نوع قتل‌ها و نحوه استفاده از چاقو، پلیس این احتمال را مطرح کرد که قاتل یکی جراح یا یک نیروی ویژه ارتشی است. کارآگاهان هر چند موفق شده بودند دی‌ان‌ای قاتل را به‌دست آورند، اما برای شناسایی او به بن‌بست خوردند. این قتل‌ها تا مدت‌ها مردم منطقه فینیکس را در شوک فرو برده بود و مردم و رسانه‌ها به قاتل لقب «شکارچی زامبی» داده بودند. تحقیقات در این پرونده برای سال‌ها متوقف شد تا اینکه چند سال قبل رسیدگی به این جنایات از سر گرفته شد. دی‌ان‌ای قاتل که در صحنه قتل‌ها به جا مانده بود در بانک ژنتیک آمریکا ثبت شد و به این ترتیب نخستین سرخ‌به دست آمد. دی‌ان‌ای به دست آمده از صحنه جرم با دی‌ان‌ای ثبت شده یک فرد مطابقت پیدا کرد و فردی به نام برایان پاتریک میلر شناسایی و دستگیر شد. برایان را اکثر سال ۲۰۲۲ محاکمه شد و در دادگاه اظهار بی‌گناهی کرد. با این حال خانواده قربانیان منتظر بودند تا رای پرونده اعلام شود و در نهایت چند روز پیش یک قاضی دادگاه عالی ماریکوپا، برایان پاتریک را در ۲ فقره قتل درجه یک، ۲ فقره آدم‌ربایی، یک مورد تجاوز جنسی و یک مورد تلاش برای تجاوز جنسی مجرم شناخت و به این ترتیب حکم دادگاه درباره وی به‌زودی صادر خواهد شد.

جنایی

درگیری مرگبار بلال فروشان

درگیری عجیب ۳ زن و مرد بلال فروش به قتل یکی از آنها منجر شد. به گزارش همشهری، این درگیری اواسط خردادماه در لواسانات رخ داد و مقتول که از آن زمان در بیمارستان بستری بود، صبح دیروز پس از تحمل هفته‌ها درد و رنج، روی تخت بیمارستان جان باخت.

با مرگ وی، به دستور قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران، تحقیقات درباره این حادثه آغاز و معلوم شد که مقتول به همراه خواهر و برادری که شریکش بودند در لواسانات بساط بلال‌فروشی داشتند اما در جریان درگیری با آنها، توسط یکی از آنها (در میانسال) مجروح شده و در نهایت جان باخته بود.

با به‌دست آمدن این اطلاعات، بازپرس جنایی دستور بازداشت شریک مقتول را صادر کرد. وی که حدوداً ۵۰ ساله است پس از دستگیری گفت: من و کیوان (مقتول) حدود ۱۵ سال می‌شد که با هم شریک بودیم. به تازگی متوجه هم‌هم به جمع ما اضافه و با ما شریک شده بود. وی ادامه داد: یکی از روزهای خرداد امسال بود که ما با کیوان در گریز شدیم. آن روز من و خواهرم زغال‌ها را داخل مرقف ریخته و در حال آماده‌سازی کباب بودیم. مشتری هم داشتیم اما کیوان حواسش به کار نبود و به همین دلیل دستش با زغال‌ها سوخت و من و خواهرم بالا‌فلاص او را سسوار ماشین پژوی خود کردیم و یک ساعت یک در مانگاه رفتم. وی ادامه داد: پس از بانسمن و درمان دستان کیوان، مجددا سوار ماشین شدیم تا به لواسانات برگردیم. در بین راه خواهرم و من به کیوان تذکر دادیم که چرا حواسش به کار نیست. کیوان که به‌شدت عصبانی شده بود، با مشت چند ضربه به خواهرم زد. سپس چاقویی را از داخل داشبورد برداشت و مرا تهدید کرد. خواهرم که پشت فرمان بود، از ترسش توقف کرد. درگیری میان من و کیوان بالا گرفت و مداخله خواهرم نیز بی‌فایده بود. ناگهان یادم افتاد که چاقویی داخل جیبم است، چون برای کارم چاقو همیشه همراهم بود. با آن چند ضربه به کیوان زدم اما قصد گرفتن جاش را نداشتم و حالا که او بعد از ۲ ماه به کام مرگ رفته، من به‌شدت عذاب وجدان دارم. این مرد میانسال با قرار بازداشت شده و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.